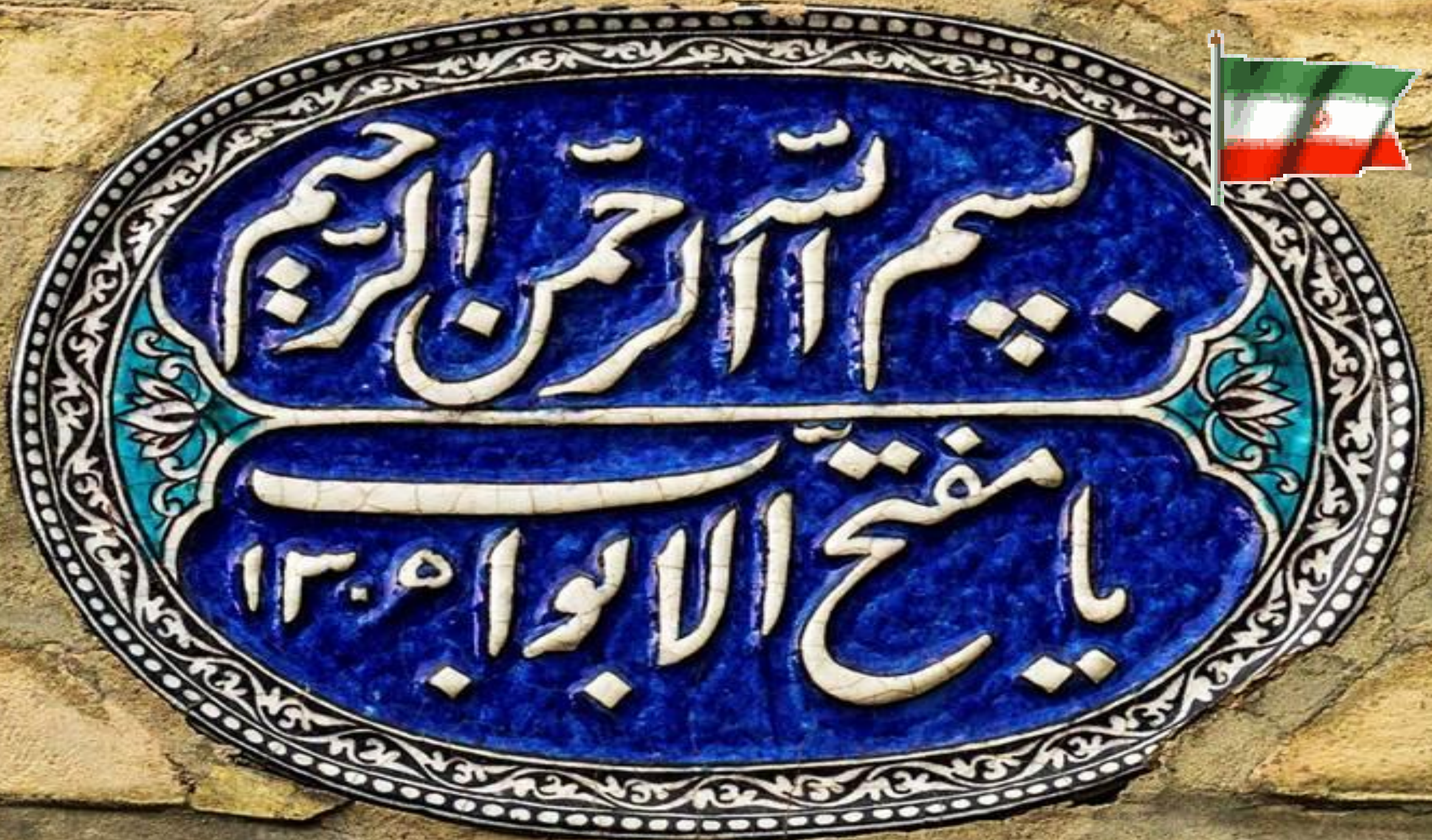






« حواشی همسر داری »



بخش دوم:

پیش نشین:



آیا با « معاشرت »

می‌توان دیگران را شناخت؟

پاسخ:



آیا افرادِ بشر با « معاشرت با خود »،

« مواضعِ فردایِ » خود را

می توانند « پیش‌بینی » کنند؟

اگر « **معاشرت** »، « **شناخت** » می آورد،

آیا « **جوانان** »،

« **انتخابِ همسر** » خود را

به « **والدین** » خود واگذار می کنند؟

اگر « **معاشرت** »، « **شناخت** » می آورد،

پس چرا افرادی که

قبل از ازدواج، معاشرت بیشتری دارند

« **قهر و طلاق** » آنها

خیلی « **بیشتر** » از افراد سر به زیر است؟

آیا با « **معاشرت** » می‌توان:

افرادِ « **نقوذی** و جاسوس » را شناخت؟

آیا با « **معاشرتِ امروز** » افراد،

می‌توان مواضعِ « **فردای** » آنها را فهمید؟

هفتمین عامل اختلال در ازدواج افراد:

دخالت والدین با:

« عادات و رسوم و ذهنیات » خود.

تقریباً تمام والدین و خود جوانان،

نسبت به «**آینده ازدواج**»،

«**نگران**» هستند.

«**ریشه**» این نگرانی چیست؟

پیش هفتم:



« مؤثر » یعنی چه؟



پاسخ:



عاملِ « مؤثر » (در تمام جوامع بشری):

هر چیزی است که بتواند در « تغییر » رفتارِ انسان،

« اثرگذار » باشد و در زندگی او « دخالت » کند.

مثلِ « دارو » که ممکن است در « رفعِ » بیماری مؤثر باشد.

و یا مثلِ « گلوله » که می‌تواند در « کُشتن » فرد مؤثر باشد.

پیش هشتم:



کدامیک از موارد زیر در زندگی انسان « مؤثر » هستند؟

۱- وراثت ؟

۲- محیط ؟

۳- والدین ؟

۴- همسر ؟

۵- دوستان ؟

۶- دشمنان ؟

۷- ابلیس ؟

پاسخ:



با اینکه « وراثت، محیط، والدین »

و « رفیق، همسر و بستگان و اِبلِیس ... »

می‌توانند « زمینه‌های »

« صعود یا سقوطِ » انسان باشند،

اما از منظر «قرآن»،

انسان در «نحوه زندگی» خود،

قطعاً، «مختار» است.

و بر خلافِ تلقینِ عواملِ استکبار،

« وراثت، محیط، والدین »

و « رفیق، همسر و بستگان و دشمنان »،

انسان را به کاری « مجبور » نمی‌کنند.

در حالی که امروز با إلقاءِ عواملِ استکبار،

متأسفانه « **اکثر مردم** جهان »،

در مسائل خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی،

خود را « **مجبور** » می‌پندارند و می‌گویند:

والدینم مرا « **مجبور** » کردند طلاق بدم، بگیرم،

همسرم، یا ... مرا « **مجبور** » کرد دزدی کنم،

صاحبکارم یا ... مرا « **مجبور** » کرد دروغ بگویم،

فشارِ زندگی مرا « **مجبور** » کرد سیگاری بشم،

روی اعصاب بود خودش « **وادارم** » کرد بزَنَمش.

فردی که خود را « **مجبور** » می‌پندارد،

در واقع « **زندگی** » نمی‌کند،

و از تلاش‌های روزمرهٔ خودش،

و از ازدواجش هرگز « **لذت** » نمی‌برد.

پس هر «**معتادی**»،

علاوه بر «**مُجرم**» بودن،

«**بیمار**» هم هست.

لذا متهمین و معتادین را در تمام کشورها،

و تمام افراد در « دنیا » و « آخرت »،

به « تنهایی »

حسابرسی و « محاکمه » می کنند:

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

(مريم/٩٥)

انسان، «مجبور»
به «افتادن» نیست:







« اختیار »،

« لذت آور » است:

نمونه آیاتی که «**اختیار**» را اثبات
و «**دخالۃ**» دیگران را نفی می کند:



كُلُّ نَفْسٍ
بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

(مدثر/ ٣٨)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ

وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ...

(فصلت / ٤٦)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ

أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ

وَإِنْ أَسَاءْتُمْ فَلَهَا (إِسْرَاءُ/٧)

وَاتَّقُوا يَوْمًا

لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا

(بقره/۱۲۳)

... وَ اخْشَوْا يَوْمًا

لَا يَخْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

(لقمان / ٣٣)

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

(أنعام/١٦٤)

پس هیچ زن و شوهری، باعثِ

« **بدبختی** یا **خوشبختی** »

یکدیگر **نمی** شوند.

(پس نباید برای « یک لحظه طلایی »، « لحظاتِ طلایی » را هدر داد.)

(پس نباید برای « یافتنِ همسرِ خاص »، « جوانیِ خود » را تلف کرد.)

و بر خلاف إلقاء بعضی ها ???

« کارنامه و سرنوشت » زن و شوهر

به هم گره نمی خورد.

پس: «کارنامه و سرنوشت»

و «خوشبختی و بدبختی»

و «بهشت و جهنم» هر فردی

از منظر قرآن،

« فقط » تابع

« نیت و گفتار و رفتار و اخلاق »

و « مواضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ... » خودِ فرد

و تابع « امتیازات » خود اوست:



یک نمونه از **مسابقه**

«**امتیاز**» **گرفتن:**

لذا در قیامت به هر فردی می‌گویند:

اقْرَأْ كِتَابَكَ

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء/۱۴)

پس تمام « گفتارها و رفتارهای **غلط** ما »،

هیچ ربطی به:

خواستِ خدا، خواستِ شیطان، خواستِ والدین،

جبرِ تاریخ، وراثت، محیط، **شانس**، آباء و اجداد،

ندارند و هر فرد باید پاسخگوی اعمالِ خود باشد:

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ

تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا

وَتُؤَفِّي كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

(نحل/١١١)

آیا «شیطان»

افراد را «مجبور» می‌کند؟

قَالَ : رَبِّ ؛ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (٣٩)

.....إِنَّ عِبَادِي

لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ

إِلَّا مَنْ أَتْبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (حجر/٤٢)

پرسش نهم:



آیا « خداوند »،

افراد را « مجبور » می کند؟

پاسخ:



« والدین، همسر، دوستان، معلمین، مسئولین، مبلغین ... و ابلیس »

با اینکه « **می خواهند** **تأثیر** » بگذارند اما « **نمی توانند** »

در حالی که « **خالق** » ما می تواند مؤثر باشد

اما به خاطر « **مهلتی** » که به انسان داده

(تا خود انسان نخواهد) در کار او « **دخالت نمی کند** ».

پیش دهم:



پس لزومِ « کفوئیت » در چیست؟

پاسخ:



با « ازدواج »،

باید « اماناتِ الهی »،

به « اهلِ » آن برسد. زیرا:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ

أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا

(نساء / ۵۸) (امانت‌های: جسمی، جنسی، عاطفی، معرفتی، مادی، معنوی، ...)

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ

وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

(نور/۲۶)

زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلیدند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک

برای زنان پاکند، اینان از آنچه درباره آنها می گویند بر کنارند، برای اینان آمرزش و روزی نیکوست.

پس إحرازِ « **کفویت** » طبق این آیات،

« تکلیف الهی »،

و فقط برای تحویلِ « **امانت** » است،

و « **فردای** » زوج را

اصلاً « **تضمین** و **گارانتی** » نمی‌کند:

نشانه‌های « کفویت و هم‌سری »:

« روشن و نزدیک » بودن موارد زیر برای « طرفین » است:

۱- « مواضعِ سیاسی، اعتقادی، تفریحی، شغلی ... »

۲- مسائلِ « تحصیلی و هنری و اشتغال و مالی ».

۳- میزانِ « انضباط و خودکاری و احترام به خود ».

۴- « عادت‌ها » و « حساسیت‌ها » و « بیماری‌ها ».

۵- میزانِ « وابستگی و دل‌بستگی » و تعلق به افراد و اشیاء.

بر خلافِ تصوّرِ عمومِ مردم،

« ثروتمندان » و « مدرک‌دارها »،

« زیبارویان » و افرادِ « پُر اِدّعا »،

بیشتر به « طلاق » می‌رسند،

تا: « فقراء » و افرادِ « بی‌مدرک » و « عادی. »



« کفویت » از منظر قرآن:

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ **حَتَّى** يُؤْمِنَ
وَلَأَمَّهُ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ
وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ **حَتَّى** يُؤْمِنُوا
وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ

أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ
وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ

وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره/٢٢١)



پس هر « **نکاحی** »،

یکی از این « **چهار** » فرجام را دارد:

۱- فقط « **زن** » ، به « **کمال** » می‌رسد.

۲- فقط « **شوهر** » به « **کمال** » می‌رسد.

۳- « هر دو با هم »، « **زیانکار** » می‌شوند.

۴- « هر دو با هم » به « **کمال** » می‌رسند.

لذا والدین عاقل و مؤمن و مأنوس با قرآن،

باید **اولاً:** نگران نباشند (زیرا نگرانی، نشانه مؤمن بودن نیست).

و مطمئن باشند که هیچ « عروس و دامادی »

« نمی تواند » فرزندِ عاقل و « مختار » آنها را

« منحرف » و یا به او « **ظلم** » کند.

ثانیا: والدین عاقل و مؤمن (خصوصا مادرانِ محترم)،

به خاطر سکوتِ قرآن و احادیث دربارهٔ فرزندان،

باید از هرگونه «**دخالت**» و «**تحمیل**»

«عادات و رسوم و نظرات و آرزوهای»

«خود و سایر بستگان» به فرزندان پرهیزند.

ثالثاً: « والدین » باید به دستورِ قرآن بکوشند،

« **عقلانیت**، **بلوغ**، **ایمان** و **امید** » فرزندانِشان را

« تقویت » کنند و از « ظاهربینی » برهانند

و « هنرمندانه »، « تجربیاتِ منطقی » خود را

با « **تکریم** » عزیزانشان به آنها منتقل کنند.

رابعاً: «والدین» باید هنرمندانه،

زمینه «خودشناسی»

و «**خدا باوری**» را

برای فرزندان‌شان فراهم کنند.

متأسفانه غالبِ « مردم »،

بدون توجه به « خودشناسی و خداپاوری »،

و « تقویتِ عقلانیت و اراده و ایمان » خود،

فقط « علاقه » به « همسر » برایشان مهم است،

لذا خیلی زود به « بُن‌بست » برخورد می‌کنند.

وقتی « **جوان** » برای ترک وضع موجود ... آماده نیست،
و وقتی « **والدین** » برای پذیرش وضع جدید ... آماده نیستند،
قطعا آنها « ملاک‌ها و **معیارهای** انتخاب » را نمی‌شناسند،
و ازدواج فرزندشان را یا به « **موقع** و **اسلامی** » انجام نمی‌دهند،
یا آنها از مدیریت عاقلانه دورانِ « **عقد** » غافل می‌شوند،
و در نتیجه آن پیوندِ پُر هزینه، بسیار « **آسیب‌پذیر** » خواهد بود.

گر به دولت بررسی، مَسْت نگردي، مَردي
گر به ذُلّت بررسی، پَسْت نگردي، مَردي

اهلِ عَالَم همه بازیچهٔ دَسْتِ هَوَسَانْد
گر تو بازیچه این دَسْت نگردي، مَردي.



خدایا نیمه کاره رهایم نکن



خدایا؛

موجباتِ «ازدواجِ عاقلانه»

و «زندگی مومنانه»

و «زندگی عاشقانه» را

برای تمام جوانان «با اراده و مؤمن» فراهم فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

